

تأثیر ایدئولوژی بر تناسب کاربرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا (مطالعه موردی اعراب-اسرائیل)

مهرداد حلال خور^۱ محمد مهدی باباجان نژاد^۲

چکیده

تعریف منافع ملی بطور قابل توجهی تحت تاثیر خوانش های متفاوت از منفعت قرار دارد. لذا ایدئولوژی به عنوان یکی از متغیر های تاثیر گذار در عرصه سیاسی آمریکا، برای درک بیشتر تغییرات سیاست خارجی این کشور در بازه های زمانی مختلف و براساس تفاسیر مختلف از منافع ملی بسیار ضروری خواهد بود در این پژوهش بدنبال بررسی وزن این متغیر در دولتهای کلیتون و بوش و اواما خواهیم بود تا دریابیم تغییر تناسب قدرت نرم و سخت در بازه زمانی ذکر شده در رابطه با درگیری های اعراب و فلسطین به چه دلیل متفاوت بوده است؟ در پژوهش میان روند و موضوع جایگاه ایدئولوژی در سیاست خارجی این کشور و تناسب کاربرد قدرت نرم در قبال مسئله اعراب و فلسطین پیوند برقرار می شود.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، قدرت نرم، ایدئولوژی، نومحافظه کاری، اعراب، اسرائیل

مقدمه

هر کشوری سیاستهای خود را طبق یک سری از محدودیت ها و اهداف پیش می برد که این سیاستها ممکن است برای سایر بازیگران اثرات مثبت یا منفی در پی داشته باشد. آمریکا نیز از

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران mehرداد_tiara@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری فقه و اصول حوزه علمیه قم joonali88@yahoo.com

این اصل کلی مستثنی نیست و برای خود در سیاست خارجی اهدافی را دنبال می کند. جهت گیری برخی از سیاستهای آمریکا در خاورمیانه بر اساس این اصل کلی به نفع گروهی از کشور ها و برخی به ضرر دیگران خواهد بود. در این میان فاکتور ایدئولوژی دولتمردان آمریکایی نقشی تاثیرگذار به خود می گیرد. چرا که بسیاری از سیاست های آمریکا در منطقه خاورمیانه ریشه در ایدئولوژی های بازیگران منطقه ای دارد. ایران، سوریه، حزب الله لبنان، جریان مقاومت فلسطین و سایر این گروهها بدلیل داشتن ایدئولوژی رقیب همواره مورد سیاست های خصمانه آمریکا قرار داشته اند. در این پژوهش به دنبال بررسی فاکتور ایدئولوژی در میزان بکارگیری قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی این کشور در رابطه با مسئله اعراب و اسرائیل خواهیم بود.

چارچوب نظری

در این پژوهش مفهوم ایدئولوژی از جایگاه مرکزی برخوردار خواهد بود. لذا در این بخش به دو مفهوم اصلی ایدئولوژی و قدرت نرم اشاره خواهیم نمود. ایدئولوژی از لحاظ سیاسی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است. به بیان دقیق تر ایدئولوژی عبارتست از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت های خارجی باشد. در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان را فراهم می آورد و بالاخره این عنصر تشکیل دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاستگذاران قرار می گیرد تا بر اساس آن چهارچوب هدفها و منافع ملی خویش را ترسیم کنند. (قوام، ۱۳۸۸) وجه افتراق ایدئولوژی دولت بوش در سیاست خارجی نسبت به کلینتون و اواما قابلیت خلاصه شدن در اندیشه های اشتراوس را دارد که عبارتند از: اصل ملی گرایی تهاجمی، فریب و پنهانکاری، دشمن تراشی، دمووکراسی قوی، تاکید بر مذهب، نظم منظومه ای و مطلق گرایی. (مستکین، ۱۳۸۴: ۵) با توجه به تمایز این ایدئولوژی با تفکر درگیری و گسترش کلینتون و نیز مدیریت راهبردی چند جانبه اواما از یک سو و نزدیکی ایدئولوژیک اواما و کلینتون از سوی دیگر به بررسی تاثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی آمریکا در دوران کلینتون، بوش و اواما در روند صلح خاورمیانه می پردازیم.

سیاست خارجی کلان و خاورمیانه ای کلبتون

بعد از فروپاشی شوروی، به رغم تهدیدات امنیتی چند ساله نوعی بحران هویتی خاص، بر عرصه سیاستگذاری آمریکا مستولی شد و نرم افزارگرایی نقش ویژه ای در التیام بخشیدن به بحران هویتی ناظر بر سیاست خارجی آمریکا ایفا کرد. بعد از این هویت زدایی در سیاست خارجی آمریکا، از مفهوم دشمن و تغییر مفاهیم ژئوپلوتیکی از دشمن در سیاست خارجی آمریکا تمرکز اصلی در سیاست خارجی این کشور بر تعریف از هویت خود استوار بود و تغییراتی نیز در اهداف سیاست خارجی آمریکا و وسایل نیل به آن اهداف صورت گرفت. کلبتون مواضع انتخاباتی خویش را با نقد سیاست خارجی بوش پدر از زاویه سطح تقید به دموکراسی، حقوق بشر و اهتمام به رفع نیازهای اقتصادی داخلی آغاز کرد. جهت گیری کلی سیاست خارجی کلبتون در خاورمیانه در قالب دکترین مهار دوجانبه ایران و عراق پیگیری می شد این طرح بعدها سومین رکن خط مشی جدید جهانی «توسعه» آنتونی لیک گردید. منظور از توسعه، گسترش حاکمیت دموکراسی و بازار آزاد در بیشتر نقاط جهان که علاوه بر حفظ منافع رسمی آمریکا در خاورمیانه، دولتهایی مانند ایران و عراق را که تهدیدی برای آنان به حساب می آیند مهار می کند (امیر اسدیان، ۱۳۸۱: ۱۳۶). براساس این طرح منطقه یاد شده به دو نیمه جغرافیایی شرق و غرب و بطور تلویحی به دو بخش کاملاً متقابل صلح (اعراب اسرائیل) و مهار (ایران و عراق) تقسیم می شود. اما قسمت غربی متشکل از اسرائیل و دولتهای عرب اطرافش عرصه صلح است. اساس این خط مشی آن است که این دو حیطه نفوذ از درون به هم وابسته اند. این پیوستگی زمانی آشکارتر می گردد که به رفتارهای ایران در حمایت از گروههای مقاومت فلسطینی که نقطه تعارض ایران و آمریکا و تهدید کننده امنیت اسرائیل بود توجه گردد. (حسینی متین، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

مسئله صلح فلسطین - اسرائیل

بیل کلبتون از بین روسای جمهور آمریکا بیشترین توجه را به مناقشه اعراب و اسرائیل را در روند صلح خاورمیانه داشت. اولین تلاش برای برقراری صلح در بین اسرائیل و فلسطین بعد از جنگ سرد به کنفرانس صلح مادرید که در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد بر می گردد. این مذاکرات بدلیل مختلف از جمله مخالفت اسحاق شامیر نخست وزیر با پس دادن سرزمین های اشغالی و

برگشتن به مرزهای ۱۹۶۷ موفقی نبود. (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۴۱) اولین دستاورد جدی کلیتون در مذاکرات صلح به امضای پیمان اسلو در واشنگتن مربوط می شد. طبق قرارداد غزه-اریحا « اسلو ۱ » تحت عنوان صلح در برابر زمین دو طرف یکدیگر را به رسمیت شناختند در این توافقنامه حکومت خودگردان از داشتن ارتش مستقل، بودجه جداگانه، پول رایج، صادرات و واردات مستقل کالا محروم شده بود. همینطور آینده حکومت خودگردان، شهرک ها، مرزها و روابط مبهم بود در نتیجه قرارداد اسلو با چالشهایی مواجه شد به همین دلیل کلیتون قرارداد دوم اسلو را برنامه ریزی نمود. (توریالی غیائی، در <http://www.acsf.af/articles> در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۵ قرارداد دوم اسلو در شهر طابا (مصر) بین طرفین امضا شد ولی سند نهایی آن در واشنگتن و میان عرفات و رابین امضا گردید طبق این قرارداد اسرائیل متعهد می شد حاکمیت تشکیلات خودگردان را بر شهرهای جنین، طولکرم، نابلس، رام الله و بخشی از شهر الخلیل بپذیرد در عوض ساف نیز مفادی از منشور ملی فلسطین مبنی بر مقاومت تا نابودی اسرائیل را لغو کند. صلح کمپ دیوید در نهایت نیز آخرین تلاش کلیتون نیز در تابستان سال ۲۰۰۰ میان سران دولت اسرائیل و حکومت خودگردان فلسطین با حضور کلیتون رئیس جمهور امریکا برگزار شد، در این مذاکرات ایهود باراک به نخست وزیری رسید و اسرائیل چهار مسئله را به عنوان خط قرمز خود برگزید و که عبارتند از ۱-حاکمیت دائمی اسرائیل بر بیت المقدس ۲- اسرائیل تحت هیچ شرایطی به مرزهای ۱۹۶۷ باز نمی گردد. ۳- حکومت خودگردان اجازه داشتن ارتش ندارد. ۴- شهرک های یهودی نشین در کرانه باختری و نوار غزه در اداره اسرائیل خواهند بود.

سیاست خارجی کلان و خاورمیانه ای بوش

گروه نومحافظه کار به همراه کابینه بوش به کاخ سفید راه پیدا کردند و بعد از بهانه ۱۱ سپتامبر توانستند نظراتشان را در سند استراتژی امنیت ملی برای قرن بیست و یکم قالب بندی و اجرا کنند. و اما اصول سیاست خارجی بوش عبارت بوده است از : ۱- یکجانبه گرایی: دولت بوش بر پایه یکجانبه گرایی در هشت ماهه اول حکومت خود، قرارداد ضد موشک بالستیک را لغو کرد. واشنگتن همچنین از یازده سپتامبر به بعد پیشنهاد سازمان ملل مبتنی بر قطعنامه اعلام جنگ بر ضد تروریسم را نپذیرفت و در ازای آن ادعای دفاع گسترده از خود را عنوان کرد. علاوه بر این محافظه کاران از پیمان جامع منع آزمایش های هسته ای و همین طور نهادی که برای رسیدگی به پیمان سلاحهای شیمیایی در حال شکل گیری بود حمایت نکردند. (زهرانی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۶).

۲- اقدامات پیشدستانه: این واژه در مقابل بازدارندگی بکار برده شد. از دید دولت آمریکا از آنجایی که گروه‌های تروریستی از عقلانیت برخوردار نیستند و سرعت در حال افزایش هستند. در صورت دست یافتن به سلاح‌های کشتار جمعی تهدید مهمی را متوجه جهان خواهند کرد. ایالات متحده باید قادر باشد تا از احتمال حملات به منافع ایالات متحده جلوگیری کرده بویژه با انجام عملیات و حملات پیشدستانه مانع حمله احتمالی دولت‌های سرکش به آمریکا شود. (احدی، ۱۳۸۴: ۲۴۶)

۳- تغییر رژیم: ریچارد هاس معتقد است تغییر رژیم یعنی حل و فصل چالش‌های موجود در سطح روابط با دولت مورد نظر به وسیله حذف یا برکناری رژیم مزبور و جایگزینی آن با رژیم دیگری که در مقایسه با رژیم قبلی از ویژگی‌های تهاجمی کمتری برخوردار است (Hass, 2005).

مسئله اعراب - اسرائیل

بوش از بدو ورود به کاخ سفید، موضع‌گیری‌های بسیار جانبدارانه خود را به سود اسرائیل آشکار کرد او در این مورد گفت: «تردید دارم که عرفات به مذاکره صادقانه با اسرائیل برای اجرای گزارش جرج مایکل تمایل داشته باشد و می‌باید ثابت کند که واقعاً به مذاکرات صلح و پایان دادن به خشونت معتقد است». در این زمینه آمریکا و اسرائیل پنج گروه از کشورها را در منطقه خاورمیانه به عنوان متهمان تروریسم اعلام کردند که عبارتند از: الف- گروه‌های القاعده و طالبان. ب- دولت عراق (صدام حسین). پ- جنبش حزب الله لبنان. ت- حماس و جهاد اسلامی فلسطین. ث- ایران، سوریه، سودان به عنوان دولتهای حامی تروریسم (National Commission on Terrorist Attacks, 2004)

طرح خاورمیانه بزرگ و جایگاه اسرائیل در آن

در طرح خاورمیانه بزرگ اسرائیل یکی از برندگان اصلی منطقه‌ای در حوزه سیاسی، اقتصادی، و امنیتی است. می‌توان منابع مشترک آمریکا و اسرائیل در طرح خاورمیانه بزرگ را در طرح خاورمیانه بزرگ، تصاحب چاه‌های نفت، جنگ علیه تروریسم و خلع سلاح کشورهای به اصطلاح یاغی دانست. طرح نقشه راه و صلح فلسطین و اسرائیل: در جلسه مورخ ۲۰۰۳ شورای سازمان ملل به تصویب رسید. مقامات تشکیلات خودگردان پیشنهادات خود درباره این طرح را

در قالب یک سند به کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در جریان دیدار با محمود عباس در تاریخ ۱۱ مه ۲۰۰۳ تحویل دادند. (Guardian Special Report, 2003) در مرحله اول این طرح از تشکیلات خودگردان خواسته شده دوباره حق وجود و امنیت دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته و فوراً انتفاضه و مقاومت را در سراسر فلسطین متوقف سازد و به آشوبگری‌ها علیه اسرائیل پایان دهد. مرحله دوم از ژوئن ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۰۳، در این مرحله کنفرانس بین المللی برای آغاز مذاکرات در مورد احتمال تاسیس دولت فلسطین با مرزهای موقت تا پایان سال ۲۰۰۳ تشکیل می‌شود. علاوه بر آن روابط میان اسرائیل و اعراب به سطح روابط قبل از انتفاضه توسعه می‌یابد. مرحله سوم از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ بوده است. کنفرانس بین المللی سوم برای نظارت بر گفتگو میان تشکیلات خودگردان و اسرائیل تشکیل می‌گردد در این کنفرانس در مورد توافق دائمی و نهایی که لازم است تا پایان ۲۰۰۵ به نتیجه برسند بحث می‌شود. و نیز مسایل مربوط به مرزها، قدس، شهرک‌ها و سپس روابط میان عرب‌ها و اسرائیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. (فهمی، ۲۰۰۳) در نهایت با اطمینانی که رژیم اسرائیل به کمک‌های آمریکا داشت، با خیال راحت از پذیرش تصمیمات این طرح و بیانیه خودداری کرد و این خودداری همراه بود با قصد آمریکا برای پس گرفتن این طرح و در نهایت این طرح به زیاده دادن تاریخ سپرده شد و بار دیگر یکجانبه‌گرایی آمریکا در حمایت از اسرائیل در برابر فلسطین با حمله این کشور به فلسطین عینیت پیدا کرد. در این مدت دولت بوش بیشتر انرژی خود را در خاورمیانه صرف سرکوب شورشیان در عراق و از سوی دیگر درگیری با ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور کرده بود. اما بوش در اواخر دوران ریاست جمهوری خود در ۲۰۰۸ به چند دلیل به تحولات صلح فلسطین - اسرائیل و کشمکش‌های شصت ساله این گروه‌ها با هم علاقمند شد.

سیاست خارجی کلان و خاورمیانه ای اوباما

سیاست خارجی کلان اوباما در چارچوب استراتژی چند جانبه‌گرایی راهبردی طرح ریزی شد که با در نظر گرفتن شعار "تغییر" در شعارهای انتخاباتی اوباما به نوعی عبور از تفکر یکجانبه‌گرایی و برتری طلبی مطلق نو محافظه کاران محسوب می‌شود. بر این اساس آمریکا تمایل به استفاده از ظرفیت‌های سیاست خارجی چند جانبه‌گرا در سطح بین المللی نشان داد و تلاش نمود تا این تفکر راهبردی را در سیاست خارجی خاورمیانه ای خود نیز دنبال کند. بارخ دادن

حوادث بیداری اسلامی و تغییر متغیرهای منطقه ای، نگاه اواما به کنترل این جریان های اسلامی در کشور های پیرامونی اسرائیل منجر به شکل دهی به سیاست خارجی خاورمیانه ای آمریکا شد. مسائل پیش روی سیاست خارجی آمریکا پیش از شروع بیداری اسلامی عبارت بوده اند از: الف) روند صلح در خاورمیانه، ب) عراق و ایران و ج) پاکستان و افغانستان. (www.csr.ir/)

اواما بلافاصله بعد از انتخاب و در هفته اول ماموری ویژه برای بررسی وضعیت منازعه فلسطین و اسرائیل مشخص کرد. بنابر استراتژی تغییر اواما در اوایل ریاست جمهوری او با تکیه بر بی طرفی، انتقاد از رژیم اسرائیل و حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی تصمیم بر ارائه تصویری متفاوت از آمریکا در منطقه خاورمیانه داشت. (Zaharna, 2009: 50) اواما با گذار از ایده های اولیه سیاست خارجی اش و تحت تاثیر جریان بیداری اسلامی که احساس تهدید جدی برای امنیت اسرائیل را ایجاد کرد کوتاه آمد.

نتیجه گیری

در ابتدا با ارائه تعریفی از ایدئولوژی درمی یابیم که همه قدرت ها در سیاست خارجی با تاکید بر مبنایی ایدئولوژیکی، راهبرد های سیاست خارجی خود را طرح ریزی و دنبال می کنند. مقاله حاضر در باب روند مذاکرات صلح و نقش ایدئولوژی در موضع گیری دولت های کلینتون، بوش و اواما نسبت به حل مسئله اسرائیل و اعراب است. کلینتون دنبال نقد سیاست های بوش پدر با رویکرد همکاری جویانه در سیاست خارجی به سمت ائتلاف سازی، ایجاد پیمانهای صلح و ادامه مذاکرات بود. بوش پسر با تکیه بر ایدئولوژی نومحافظه کارانه خود و به بهانه ۱۱ سپتامبر سیاست های: ۱- یکجانبه گری ۲- اقدامات پیشدستانه را ۳- تغییر رژیم را برای رسیدن به اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه بکار برد که نتیجه آن عدم اعتنا به پیمانهای صلح و مذاکرات بوده است که وجه سخت افزارانه سیاست های او را افزایش داد. اواما با شعار تغییر توانست ایده خود را در سیاست خارجی آمریکا پی گیری کند که به سیاست خارجی کلینتون و استفاده بیش تر از قدرت نرم در سیاست خارجی متمایل است. ولی او در این مسیر با مشکلاتی نیز روبرو است که نگاه اواما به برخورد با آنها می تواند به موفقیت یا عدم موفقیت سیاست خارجی او در خاورمیانه ختم شود.

منابع

احمدی، فتانه، (۱۳۸۴) استراتژی مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی آمریکا. در کتاب آمریکا، ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

اسدیان، امیر، (۱۳۸۱) سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تائیر ایدئولوژی برتناسب کاربرد قدرت سخت و نرم... / ۲۵۲

جعفری، علی اکبر، (۱۳۸۹) منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حافظیان، محمد حسین، ایالات متحده و روند صلح خاورمیانه، قابل دسترسی در:

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/33/---.aspx>

حسینی متین، مهدی (۱۳۸۷)، ساختار نظام بین الملل و سیاست خارجی آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ سرد، پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

زهرانی، مصطفی، (۱۳۸۴) یازده سپتامبر، جهانی شدن و برتری طلبی آمریکا، روندهای جدید بین المللی، تهران انتشارات وزارت امور خارجه.

غیائی، توریانی، فراز و فرودهای فلسطین و زایش دولت اسرائیل آتش بس در غزه، قابل دسترسی در

<http://www.acsf.af/articles HTML/ahelasi1.html>

فهمی، هویدا (۲۰۰۳) طرح نقشه راه، دسیسه جدید دشمنان اسلام، قابل دسترس در سایت نمایندگی فلسطین در تهران، ۳۰ می.

قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۸) اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت.

مستکین، عبدالمهدی، (۱۳۸۴) «پیوند تئوری و عمل در تدوین سیاست خارجی بوش»، مجلس و پژوهش، سال دوازدهم، شماره چهل و هشتم.

Guardian Special Report (2003). Georg w Bush s Speech to the American Enterprise Institute : the Further of Iraq.

Haas,Richard,(2005)"Regime Change and It's Limits" .in:www.Foreig Affairs.org.

National Commission on Terrorist Attacks upon the United State(2004)

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=01&depId=44&semId=389>

Zaharna,(2009) Public Diplomacy Through the Looking Glass: Obama U.S. Public Diplomacy and Islamic World, Symposium on Old and New Media, and the Changing Faces of Islam, sponsored by Religion, Media and International Studies Project, Syracuse University. at:

www.american.edu/soulfaulty/upload/public-diplomacy-Through-The-looking-Glass.